گزارش

معصومه غفاری
روزنامه نگار

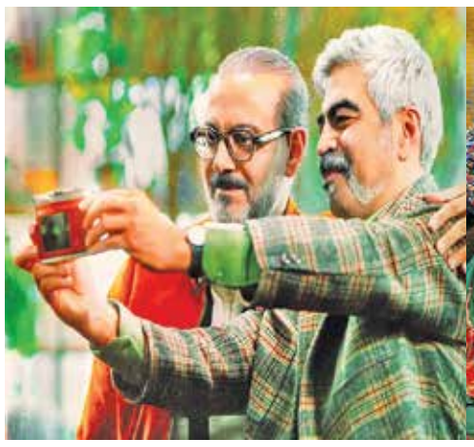

رگولاتوری نمایش خانگی با تغییرات اساسی روبرو می شود

یک بام و دوهوای ساترا

موضوع پرچالش نظارت‌های منطقی و غیرمنطقی ساترا بر محتواهای تولید شده در شبکه نمایش خانگی، تحت‌تأثیر سیاست‌های اشتباه صداوسیما همچنان پرسر و صدا بوده و کش و قوس‌های بسیاری را میان رسانه ملی و شبکه نمایش خانگی به دنبال داشته است، تا جایی که اظهارات پرتکرار بسیاری از کارشناسان و اهالی رسانه مبنی بر اینکه نمایش خانگی را نمی‌توان جزو رسانه‌های فراگیر قلمداد کرد، مسئولیت نظارت بر محتوای نمایش خانگی را خارج از اختیارات صداوسیما می‌داند و در ادامه سیاست رقابتی این سازمان با نمایش خانگی را مغایر مأموریت اصلی ساترا قلمداد می‌کند، چراکه این سیاست‌ها با ایجاد فضای رقابتی، تناقضات نظارتی بسیاری را بر نمایش خانگی به همراه داشته و فاقد شرایط لازم برای نظارت بر «ساترا» است.

خبرها حاکی از این است که شورای عالی انقلاب فرهنگی قصد دارد سازکار رگلاتوری بر صوت و تصویر فراگیر را با تغییرات اساسی روبه‌رو کند. بر اساس این تصمیم، تمام ذینفعان اعم از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صداوسیما، سکوهای نمایش خانگی و... با تشکیل یک شورای فراسازمانی دور هم جمع خواهند شد تا به حواشی به وجود آمده میان ساترا و «وی‌اودی‌ها» پایان دهند.

اما آقای «صالحی» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ آذرماه پس از جلسه هیأت دولت در جمع خبرنگاران با اشاره به تصدی‌گری صداوسیما بر ساترا، با بیان اینکه هر مقدار دولت در همه حوزه‌ها حضور تصدی‌گری خود را کمتر کند کمک به حرکت اقتصاد آن حوزه است، گفت: در دولت سیزدهم مسیری طی شد که منجر به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و تقسیم کارها شد و از جمله این کارها، شبکه نمایش خانگی است که در اختیار ساترا قرار گرفته است، این مصوبه فعلاً هست تا ببینیم چکار می‌کنیم.

این در حالی است که «پیمان جبلی» رئیس صداوسیما در آخرین اظهارات خود در خصوص شرح وظایف ساترا، آن را به عنوان نهاد تنظیم‌گر و ضابط دانست و گفت: وظیفه ساترا صرفاً گزارش دادن تخلف است و هیچ ضمانت اجرایی برای اینکه این گزارش‌ها نتیجه ملموس داشته باشند، ندارد. به باور وی، حوزه نمایش خانگی دارای نواقص قانونی بوده و نیازمند اصلاح است.

با توجه به تمامی موارد ذکرشده و در نظر گرفتن خبر تغییر ریاست ساترا که گفته می‌شود «مجید زین‌العابدین» مدیرعامل سابق بنیاد سینمایی فارابی بزودی به عنوان رئیس سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی معرفی خواهد شد، هنوز هم مشخص نیست که باید منتظر روزهای آرام‌تر و کم‌فشارتری برای سایر پلتفرم‌ها و نیز هنرمندان فعال بیرون از صدا و سیما بود یا خیر؟

این مهم را بهانه گفت‌وگوی «ایران» با «احمد درویشعلی‌پور» کارگردان سینما و تلویزیون که دو سالی از کوچ او از صداوسیما به نمایش خانگی می‌گذرد، قرار داده‌ایم. به باور این کارگردان، وجود فشار بیش از حد صداوسیما و نیز ایجاد محدودیت از سوی رسانه ملی، علت این کوچ و شروع فعالیتش در نمایش خانگی است.

منفعت در رقابت است یا انحصار؟

به گفته درویشعلی‌پور، هر جا تعارض منافع وجود داشته باشد، اصولاً باید تعریف کنیم و ببینیم که منفعت در چیست و اینکه آیا منفعت در رقابت است یا انحصار. ما هر چقدر بازار را رقابتی کنیم، کیفیت محصولات و تولیدات فرهنگی نیز بالا رفته و تمایل به سرمایه‌گذاری از سوی بخش خصوصی بیشتر خواهد شد.

وی افزود: اینکه ساترا از طرف کدام ارگان مورد تصدی‌گری قرار می‌گیرد یک بحث است و بازاری که در حال حاضر تحت عنوان پلتفرم‌ها به وجود آمده و هم به نفع مخاطب است و هم تولیدکننده، موضوعی دیگر؛ چراکه نمایش خانگی شرایط کار گسترده‌تری را برای فعالان و تولیدکنندگان فیلم و سریال، با وجود موانع کمتر و محصولات مخاطب‌پسند که در سال‌های فعالیت صداوسیما با وجود داشتن امکانات و شرایط لازم، کمتر آن را دیده‌ایم، فراهم کرده است.

این کارگردان اظهار کرد: عنوان ساترا تنظیم مقررات است، بنابراین به واسطه صداوسیما نباید با سکوهای نمایش خانگی تعارض منافع وجود داشته باشد. اینکه ما بگوییم نمایش خانگی فقط در انحصار یک سازمان بخصوص باشد و یک تعداد نفرات مشخص، (یا باید با من کار کنند یا اگر جای دیگری هم مشغول به کار هستند با من کار نکنند) این اخلاقی، منطقی و خوشایند نیست.

وی با اشاره به اینکه ساترا به عنوان یک بخش ناظر و تنظیم‌گر بر سایر پلتفرم‌ها باید بی‌طرف عمل کند و نقش رقیب را برای آنها نداشته باشد، گفت: متأسفانه حضور ساترا تحت مدیریت صداوسیما، حالت نظارت را کمرنگ‌تر کرده و رنگ و لعاب رقیب را برای فعالان نمایش خانگی به خود گرفته است. بنابراین نیاز است ساترا به دور از حالت جانبدارانه نسبت به صداوسیما، فضایی را ایجاد کند که تولیدات به سمت باکیفیت‌تر شدن، همزمان با استفاده از امکانات به‌روزتر برود. درویشعلی‌پور تصریح کرد: من با سابقه بیش از دو دهه فعالیت در صداوسیما، به خاطر وجود محدودیت‌های بسیار ترجیح دادم به نمایش خانگی کوچ کنم تا بتوانم به دور از محدودیت‌های اعمال شده از سوی صداوسیما، در حوزه کودک و نوجوان به فعالیت خود ادامه دهم.

وی در خصوص تصدی‌گری صحیح بر فعالیت هنرمندان در نمایش خانگی گفت: واقعیت این است که مدیران رسانه‌ای در کشور ما از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به تلویزیون و بالعکس در چرخش هستند. بنابراین اینکه کدام ارگان بخواهد این نظارت را بر عهده بگیرد تفاوت چندانی ندارد، بلکه موضوع مهم این است که باید یک سیاست و رویکرد نو و سازنده با هدف حمایت و نظارت صحیح بر پلتفرم‌ها تبیین شود و اصل قرار گیرد. آن دیدگاه نیز این است که ما رقابت را با هدف ایجاد کیفیت بالاتر و به دور از انحصار به وجود بیاوریم، چراکه قطعاً با تک‌صدایی به جایی نخواهیم رسید.

به گفته این کارگردان، نمی‌توان یکسری اصول را تبیین کرد و گفت چون ما به این اصول اعتقاد داریم، باید از لحاظ جذابیت مانند سال‌های اول انقلاب اجرا شود که در این صورت از سوی مخاطبان پس زده خواهد شد.

قوه قضائیه بهترین گزینه تصدی‌گری بر نمایش خانگی

«وحید آگاه» استاد حقوق و وکیل دادگستری نیز در گفت‌وگو با «ایران» گفت: صداوسیما از همان ابتدا با شکل‌گیری پلتفرم‌ها و شبکه نمایش خانگی متوجه از دست رفتن انحصار از دستان خود شد و در ادامه بر رویه و سیاست‌های خود اصرار ورزید. رسانه ملی دو راه پیش رو داشت؛ یکی پذیرش دنیای جدید که طبق قانون اساسی زمینه بیان همه عقاید فراهم شود که البته این رویه در صداوسیما وجود نداشت و دیگری نپذیرفتن بازار رقابت، بنابراین این سازمان گزینه دوم را برگزید.

وی در ادامه بیان کرد: در قانون بودجه ۱۴۰۰ تبصره ۶ مسئولیت صدور مجوز و تنظیم مقررات برعهده ساتراست تا نظارت کند و جلوگیری از اثر سوء داشته باشد. این موضوع در قانون بودجه ۱۴۰۱ هم آمد و سه حوزه منحصراً به صداوسیما واگذار شد. ساترایی که نمی‌دانیم چیست و داخل مجموعه صداوسیماست و مستقل نیست، عهده‌دار مسئولیت صدور مجوز نظارت و تنظیم مقرراتی شد که باید در مسیر قانون پیش برود.

این حقوقدان همچنین از بند «ب» ماده ۷۷ برنامه پنج ساله هفتم توسعه به عنوان گام نادرست دیگری که در زمینه نظارت بر شبکه نمایش خانگی برداشته شده نام برد و گفت: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تلویزیون همواره در زمینه نظارت بر عرصه شبکه نمایش خانگی درگیری و کشمکش داشته و دارند. بعد از مدتی و در زمان ادامه حیات تلویزیون‌های خانگی و پلتفرم‌ها، قانونگذاری بر اینها به جایی به نام ساترا سپرده شد که این بعد از بحث‌های اولیه اتفاق افتاد. به گفته این حقوقدان، نمایش خانگی باید بر اساس قوانین و ضوابط موجود، یعنی قانون هفتم توسعه و قانون اساسی اقدام به انجام کار و فعالیت کند و هر جا قانون‌شکنی شد و مشکلی پیش آمد، در دادگاه حاضر شده و پاسخگو باشد. موضوع نظارت شورای انقلاب فرهنگی و تشکیل سازمان سوم با حضور تمامی ذینفعان جواب نمی‌دهد. آن چیزی که در قانون اساسی آمده و آن ساختاری که در شوراها هست، از مصوباتشان پیداست که نمی‌خواهند این کار را انجام دهند. بنابراین بهتر است این کار نه به عهده صداوسیما سپرده شود و نه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نه گزینه دیگر. ساختار فعلی کشور می‌گوید بهترین گزینه برای تصدی‌گری قوه قضائیه است.

این حقوقدان تصریح کرد: اگر قرار است اتفاق جدیدی ایجاد شود، با مشارکت تمام ذینفعان و با رأی برابر این اتفاق انجام شود؛ یعنی تمام ذینفعان در این خصوص رأی برابر داشته باشند. «آگاه» تصریح کرد: از من می‌پرسید چرا تصمیم شورای عالی انقلاب فرهنگی ممکن نیست، در جواب می‌گویم آیا در خصوص رسانه‌ها یا سینما، تئاتر، موسیقی، هنرهای تجسمی و... این اتفاق افتاده است؟ من می‌گویم سابقه تاریخی نشان می‌دهد این امر ممکن نیست. بهتر است به قوه قضائیه اعتماد کنیم که همگی حقوقدان بوده و مستقل هستند. موضوع مطرح شده از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی متعلق به این محیط و مساحت موجود نبوده و قطعاً بی‌سرانجام خواهد بود.

به گفته این حقوقدان، بهترین راه این است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایستادگی کرده و صلاحیت قانونی خود را پس بگیرد و آن را طبق مقررات موجود به صنوف بسپارد، چراکه پس گرفتن رسالت قانونی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که از آن غیرقانونی گرفته شده و دادن آن به صنوف، رسالت تاریخی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

نظارت بر ساترا فراتر از انتقال وظایف از نهادی به نهاد دیگر است

در ادامه «مهدی کوهیان» حقوقدان فرهنگ و رسانه نیز در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به فرمایشات بیانات مقام معظم رهبری در هشتم آذرماه ۱۴۰۲ و تأکید بر تولید محصولات فرهنگی باکیفیت، با عنوان این مطلب که زمان آن رسیده نظارت بر ساترا تحت نظر نهادی قرار گیرد که تعارض منافع نداشته باشد و بتواند رسالت فرهنگی را به درستی انجام دهد، گفت: بحث نظارت بر ساترا فراتر از انتقال وظایف از یک نهاد به نهادی دیگر است. من اصولاً با نظارت پیشینی مخالفم، زیرا رشد تکنولوژی و ظهور پلتفرم‌های دیجیتال، این مدلِ نظارتی را ناکارآمد کرده است. مدل‌های سنتی نظارت پیشینی، نه تنها مانعی برای نوآوری و خلاقیت هستند، بلکه با نیازهای عصر دیجیتال نیز سازگار نیستند.

وی افزود: به جای تمرکز بر کنترل محتوا پیش از انتشار، باید به سمت نظارت پسینی حرکت کنیم؛ مدلی که بیشتر به مسئولیت‌پذیری تولیدکنندگان و شفافیت عمومی تکیه دارد. این تغییر رویکرد، علاوه بر انطباق با سرعت تحولات تکنولوژیکی، زمینه را برای تولید محتوای متنوع‌تر و باکیفیت‌تر فراهم می‌کند. در چنین ساختاری، وظایف نظارتی می‌تواند به سازمان‌های مردم‌نهاد واگذار شود که از فضای فرهنگی و هنری شناخت بیشتری دارند و بدون دخالت‌های سیاسی یا تعارض منافع، عدالت را در این حوزه تضمین می‌کنند.

کوهیان با مقایسه نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صداوسیما بر ساترا، اظهار کرد: نظارت این وزارتخانه در مقایسه با صداوسیما به دلیل کاهش فشارهای جانبدارانه موفق‌تر بوده، اما این بدان معنا نیست که ساختار نظارتی آن کاملاً بی‌نقص بوده است. هر دو نهاد به دلیل اتکا به مدل نظارت پیشینی، نتوانسته‌اند خود را با تغییرات سریع در فناوری و نیازهای جدید مخاطبان تطبیق دهند. بنابراین بهتر است به جای بحث در مورد برتری یکی بر دیگری، به این موضوع بپردازیم که نظارت باید از انحصار نهادهای دولتی خارج و به سمت رویکردهای مدرن‌تر و غیرمتمرکز حرکت کند. این وظیفه می‌تواند به تشکل‌های صنفی و نهادهای مستقل مردمی سپرده شود که بهتر قادرند با سازکارهای بازار و تکنولوژی روز سازگار شوند.

این کارشناس با تأکید بر بهبود وضعیت نمایش خانگی با واگذاری آن به نهادهای مستقل گفت: کلید موفقیت، کنار گذاشتن نظارت پیشینی است. نظارت پسینی مبتنی بر شفافیت و مسئولیت‌پذیری، بهترین گزینه برای نمایش خانگی است. سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های صنفی می‌توانند نقش مهمی در اجرای این مدل ایفا کنند. در نظارت پیشینی، هر تولیدکننده باید قبل از عرضه اثر خود از فیلترهای متعدد عبور کند که این فرآیند باعث کندی، کاهش تنوع و در برخی موارد، سانسور غیرضروری می‌شود، اما در نظارت پسینی، تولیدکنندگان محتوا مسئولیت کیفیت و پیام اثر خود را بر عهده دارند و در صورت تخلف، پاسخگو خواهند بود. این مدل، هم به تولیدکنندگان آزادی عمل بیشتری می‌دهد و هم مخاطبان را در انتخاب محتوا توانمندتر می‌کند.

وی در خصوص این سؤال که آیا اهمیت دارد نهاد ناظر، صداوسیما یا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد، عنوان کرد: به نظر من مسأله این نیست که نظارت بر عهده صداوسیما باشد یا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بلکه مهم این است که آیا این نظارت به شیوه سنتی و پیشینی انجام می‌شود یا خیر. رشد تکنولوژی و تحول در فضای رسانه‌ای ایجاب می‌کند از مدل‌های سنتی فاصله بگیریم. اگر نظارت به نهادهایی مستقل و مردمی سپرده شود که بتوانند به جای محدود کردن تولیدکنندگان، بر مسئولیت‌پذیری و شفافیت تأکید کنند، دیگر فرقی نمی‌کند کدام دستگاه بر روند کار نظارت داشته باشد. این تغییر رویکرد، بویژه در دوران فعلی که رسانه‌های دیجیتال به سرعت در حال گسترش هستند، ضروری است. تجربه نشان داده انحصارگرایی دولتی، چه در قالب صداوسیما و چه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مانع رشد و توسعه فرهنگی شده است. در نتیجه بهترین راهکار، واگذاری نظارت به نهادهای مردمی و کنار گذاشتن تصدی‌گری مستقیم دولتی است.

> اگر نظارت به نهادهایی مستقل و مردمی سپرده شود که بتوانند به جای محدود کردن تولیدکنندگان، برمسئولیت پذیری و شفافیت تأکید کنند، دیگر فرقی نمی‌کند کدام دستگاه بر روند کار نظارت داشته باشد

نمی‌توان همزمان شاهد، قاضی و ناظر بود

برش

محمد جعفر نعناکار، نماینده انجمن صنفی شرکت‌های «وی‌اودی» در نشست تخصصی «به کسی مربوط نیست» که با موضوع مسائل حقوقی تولید و نشر محتوای سکوهای نمایش خانگی عصر سه‌شنبه ۲۰ آذرماه ۱۴۰۳ در خانه هنرمندان برگزار شد، با بیان اینکه نمی‌توان هم شاهد، هم قاضی و هم ناظر بود، گفت: متأسفانه در دهه اخیر با یک مسأله روبه‌رو هستیم و آن تهی شدن واژه‌ها از معانی است. صوت و تصویر فراگیر هنوز معنای مشخصی ندارد چراکه مگر ما صوت و تصویر غیرفراگیر داریم؟ وقتی واژه خلق می‌شود، باید در پی آن معنا هم وجود داشته باشد.

وی افزود: ساترا عنصری است که در قانون جایی ندارد. امان از این شوراها که مصوبه می‌دهند و نمی‌توان جایی از آنها شکایت و آن را ابطال کرد. شورای عالی اطلاع‌رسانی زمانی تشکیل شد و مسأله سامان دادن به فضای مجازی با آنها بود که بعد منحل شد و دوباره شورایی دیگر و شوراهایی دیگر که مدام تشکیل و منحل شدند. بعضی مواقع یک محصول، ریزمحصولات دیگری دارد و نمی‌توان برای آن یک قانون در نظر گرفت.

واگذاری نظارت بر نمایش خانگی به اتحادیه‌ها و صنوف

«سید امیر پروین حسینی» مدیرعامل پلتفرم سین‌نت و تهیه‌کننده نیز در گفت‌وگو با «ایران» گفت: اینکه تنظیم‌گر یا ناظر، کدام سازمان باشد، تفاوتی به حال من برنامه‌ساز و تهیه‌کننده ندارد؛ مهم این است که دور از فضای رقابتی و کاملاً بی‌طرف، مسئولیت نظارت را عهده‌دار شود و افراد شایسته و با تجربه عهده‌دار این امر مهم شوند. وی افزود: من تجربه تولید سریال را در زمان نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر ساترا دارم و به نظرم دوران خوب و توأم با تعاملی میان برنامه‌سازان و هنرمندان و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وجود داشت، اما متأسفانه این اتفاق در صداوسیما با تأخیر و آزمون و خطا پیش رفت و ما یک خلأ حدوداً دو ساله را در این زمینه تجربه کردیم تا به یک نظمی برسد. این تهیه‌کننده اظهار کرد: از آنجایی که صداوسیما در مقطع کنونی خود رقیب نمایش خانگی محسوب می‌شود، نمی‌تواند عملکرد بی‌طرفانه داشته باشد و قطعاً جایی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که این تعدد منافع در آن وجود ندارد، گزینه بهتری برای تصدی‌گری و نظارت بر عملکرد نمایش خانگی خواهد بود.

پروین حسینی ادامه داد: اگر قرار باشد تنظیم‌گر داشته باشیم، قاعدتاً اگر بی‌طرف باشد وضعیت بهتر خواهد شد. به اعتقاد من اتفاقی که در کشورمان افتاده و در کشورهای دیگر نیز امتحان خود را پس داده این است که اتحادیه‌ها و صنوف اقدام به اداره فضایی مانند نمایش خانگی کنند؛ یعنی بر اساس ضوابط از قبل تعریف شده، هم مجوزها را بدهند و هم بر اجرای این ضوابط و قوانین نظارت داشته باشند.

درنگ

سیدعلیرضا صبح‌دوست
منتقد

از ساترا تا آفکام؛ راهی که باید طی کنیم

تأسیس سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر (ساترا) از آنجا شروع شد که صدا و سیما در سال ۱۳۷۹ با اخذ استفساریه از شورای نگهبان موفق شد ثابت کند صوت و تصویر فراگیر در انحصار او است که هدف از این کار جلوگیری از تأسیس شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی خصوصی بود. اما در سال ۱۳۹۰ اولین مجوز رسانه نمایش خانگی توسط «حسن علیزاده» رئیس مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت دوم «محمود احمدی‌نژاد» صادر شد و این‌گونه بود که عملاً بخش خصوصی وارد عرصه فعالیتی مشابه شبکه‌های تلویزیونی گردید. سال‌ها بعد در سال ۱۳۹۴ زمانی که رهبر معظم انقلاب، دیداری با اعضای شورای عالی فضای مجازی داشتند بعد از دیدار در نامه‌ای به رئیس‌جمهوری وقت تأکید کردند که محتوای بیانات ایشان ناظر به حوزه صوت و تصویر فراگیر نیست و تنظیم‌گری این حوزه مربوط به صدا و سیماست. البته محمد مهدی اسماعیلی وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی معتقد بود علت این دستور ترک فعل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه تنظیم‌گری شبکه نمایش خانگی بوده است. به هر حال بعد از دستور مقام معظم رهبری، مقرر شد شورای عالی فضای مجازی مصداق صوت و تصویر فراگیر را تعریف کند که تا امروز این کار انجام نشده است. دلیل آن هم اختلاف‌نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما در خصوص تعریف صوت و تصویر فراگیر است. با توجه به عدم تعریف صوت و تصویر فراگیر برای حل مشکل در سال ۱۳۹۸ شهید ابراهیم رئیسی، رئیس وقت قوه‌قضائیه در بخشنامه‌ای خطاب به مراجع قضایی سراسر کشور این‌گونه دستور صادر کرد: «با عنایت به نظریه تفسیری مورخ ۱۳۷۹/۰۷/۱۰ شورای نگهبان ذیل اصول ۴۴ و ۱۷۵ قانون اساسی و ابلاغیه مقام معظم رهبری مدظله‌العالی مورخ ۱۳۹۴/۶/۲۲ خطاب به رئیس‌جمهوری محترم، مبنی بر اینکه مسئولیت صدور مجوز و تنظیم مقررات صوت و تصویر در فضای مجازی و نظارت بر آن منحصراً بر عهده سازمان صدا و سیماست، ضروری است مراجع قضایی و ستادی قوه‌قضائیه هرگونه استعلام درباره صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی را از حیث پروانه فعالیت، مقررات و موضوعات مرتبط ، از سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی به عمل آورند. بدیهی است، هرگونه فعالیت در این زمینه بدون مجوز آن سازمان غیرمجاز است.»

تصور می‌شد این دستور پایان اختلافات باشد اما این دستور هم نتوانست به اختلاف میان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما پایان دهد چرا که دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهوری دولت دوازدهم بر رونوشت نامه صادر شده از سوی رئیس قوه قضائیه چنین نوشت: «حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی، رئیس محترم قوه قضائیه، سلام‌علیکم، احتراماً؛ این‌گونه امور مرتبط به شورای عالی فضای مجازی است.»

این اختلافات ادامه داشت تا این که سال گذشته شهید رئیسی با ناامیدی از اقدام بموقع شورای عالی فضای مجازی به پیشنهاد محمد مهدی اسماعیلی وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی و حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، پیشنهاد تقسیم کار میان سازمان صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را در شورای عالی انقلاب فرهنگی در دستور کار این شورا قرار داد.

باوجود گذشت یک‌سال از مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی به نظر می‌رسد ساترا اگر چه توفیقاتی در زمینه تنظیم‌گری سکوهای نمایش خانگی داشته است، اما همچنان با مهم‌ترین سکوی فعال در این حوزه یعنی فیلیمو در یک رابطه پرتنش قرار دارد.

از سوی دیگر طبق گزارشی که اردیبهشت ماه امسال در رسانه‌ها منتشر شد، مشخص شد که برخی فیلم‌های سینمایی نامناسب خارجی که شامل ترویج همجنس‌بازی، نمایش صحنه‌های جنسی، ارائه تصویر نادرست از انقلاب اسلامی ایران و... هستند، باوجود تأکید و دستور وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر ضرورت نظارت وزارت فرهنگ بر فیلم‌های سینمایی، همچنان در برخی سکوهای نمایش خانگی نشان داده می‌شوند.

ناکامی‌های سازمان صدا و سیما در دوره‌های گذشته و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در چند سال گذشته در امر تنظیم‌گری شبکه نمایش خانگی از یک‌سو و بررسی تجربه آفکام به عنوان قدرتمندترین و تنها تنظیم‌گر رسانه‌ای جهان از سوی دیگر، بیانگر آن است که زمانی تنظیم‌گر موفق است که ذیل قدرتمندترین نهاد کشور فعالیت کند. قطعاً این تجربه باید در ایران الگوبرداری شود. بنابراین اگر چه موضوع اخیر دعوای فیلیمو با ساترای صدا و سیما بر سر برنامه «اکنون» سروش صحت و پخش زنده برنامه عادل فردوسی‌پور، حاکی از آن است که ساترا ناخواسته ممکن است تحت تأثیر درخواست‌های معاونت سیمای سازمان صدا و سیما و افراد شاغل در آن سازمان قرار گیرد و از این منظر تنظیم‌گری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فارغ از چنین نگرانی‌هایی است، اما باید بپذیریم که احتمال عدم تمکین فیلیمو نسبت به احکام صادره از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم مشابه آنچه راجع به فیلم‌های سینمایی گفته شد، زیاد است.

بنابراین پیشنهاد نگارنده آن است که موضوع فعالیت ساترا ذیل یکی از دو شورای عالی یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی یا شورای عالی فضای مجازی به عنوان دو نهاد اصلی مقررات‌گذاری و دارای قدرت بالا تنها راه تنظیم‌گری مطلوب و عادلانه است. به عبارت دیگر پیش‌بینی می‌شود با تغییر ساختار ساترا و قرارگرفتن این نهاد ذیل یکی از دو نهادی که رئیس‌جمهوری رئیس آن محسوب می‌شود و مصوبات آن به تأیید مقام معظم رهبری می‌رسد، از یک‌سو به تقویت حوزه تنظیم‌گری در کشور منجر شود و از سوی دیگر به دلیل عضویت اشخاص حقیقی و حقوقی خبره در حوزه فرهنگ و فضای مجازی در دو شورای عالی، تنظیم‌گری در چنین شرایطی عادلانه‌تر و دقیق‌تر خواهد بود؛ این راهی است که باید برویم تا ساترای موجود تبدیل به آفکام شود.

ساترا، ترازی که میزان نیست!

یادداشت

رضا صائمی
منتقد

واقعیت این است که در ارزیابی یک نهاد نظارتی باید به عملکرد و پیامد آن رجوع کرد، نه نیت و اهدافی که برای آن طراحی و تعریف شده است. از این حیث وقتی به عملکرد ساترا به مثابه یک نهاد نظارتی می‌نگریم، بیش از هر چیز با جدل و جدال‌های کلامی و قضایی مواجه می‌شویم که حاصلش نه پیشبرد حمایتگرانه و نه حتی نظارت کیفی بر اساس سازکارهای حرفه‌ای و هنری، بلکه اغلب دست‌اندازی و اخطاریه و احضاریه و در نهایت توقیف یک برنامه بوده است.

ساترا بیش از اینکه با پلتفرم‌ها و نمایش خانگی تعامل داشته باشد، بر سر تقابل است و به جای اینکه نوعی کنشگری راهگشا و پیش‌برنده بین آن و پلتفرم‌ها برقرار باشد به نوعی چالش‌گری دامن زده است. همین کافیست تا درباره ضرورت این نظارت بازاندیشی شود و این پرسش به میان بیاید که آیا اساساً صدا و سیما نهاد نظارتی مناسب و معقولی برای تنظیم‌گری پلتفرم‌ها و بخش نمایش خانگی است یا نه؟ و آیا نهادی که خود رقیب محسوب می‌شود، می‌تواند نظارت بر رقیب را هم به عهده بگیرد و آیا در این مسئولیت می‌تواند به عدالت و انصاف عمل کند یا همه چیز در بازی و بازار رقابت صورت‌بندی شده و بر مکانیسم سود و منفعت سنجیده می‌شود.

مسأله این نیست که در اختلاف‌های پیش آمده، حق با کدام سو است، مسأله این است که اساساً این میزانسن و میزان از پایه غلط است و نمی‌تواند به نظارت متوازن و منصفانه دست بزند. در واقع مشکل، مشکل ساختاری است نه رفتاری. وقتی سازکار یک رابطه تنظیم‌گرانه غلط چیده شود، مکانیسم‌های نظارتی نمی‌تواند درست عمل کند که خانه از پای بست ویران است. صدا و سیما به مثابه یک نهاد رقیب نمی‌تواند نهادی نظارتی هم باشد که تعارض منافع نمی‌گذارد تا تعامل سازنده‌ای بین ساترا و نمایش خانگی برقرار شود. از این رو به نظر می‌رسد این نه صدا و سیما که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که باید متولی این کار و به عنوان نهاد نظارتی بر عملکرد پلتفرم‌ها تعیین شود که اتفاقاً هم سازکار اداری روشن و تعریف شده‌ای در این زمینه دارد و هم سابقه و تجربه طولانی‌تر در شیوه‌های نظارتی نسبت به صدا و سیما دارد. ماهیت و عملکرد ساترا در بستر صدا و سیما و سازکارهایش ناممکن است که این رقیب، نظارت، داوری و انحصار را با هم می‌خواهد! بدیهی است که در درون چنین وضعیت ناموزونی نمی‌توان به درستی داوری کرد و نظارت به انتظار اطاعت تقلیل می‌یابد و استقلال رسانه‌ای- هنری پلتفرم‌ها را تضعیف می‌کند.